فصلنامه مطالعات حقوق
Journal of Legal Studies
شماره بیست و هفتم. زمستان ۱۳۹۷، صص۳۶-۲۳ Vol 3. No 27. 2018, p 23-36
شماره شاپا (۲۵۳۸-۶۳۹۵) ISSN: (2538-6395)

پیشگیری از بزهکاری کودکان و نوجوانان با تأکید بر نقش آموزش

ایرج گلدوزیان[1]. نفیسه جلالی[2*]
۱. دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج. ایران
miramts@yahoo.com
۲. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، مربی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان. ایران
نویسنده مسئول Nafise.law@gmail.com

چکیده

یکی از مسائل مهم و حائز اهمیت در جرم شناسی نوین، پیشگیری از بزهکاری کودکان و نوجوانان است. در جرم شناسی، پیشگیری به معنای مقابله با تبهکاری رفتن با استفاده از فنون گوناگون مداخله به منظور ممانعت از وقوع بزهکاری یا تحدید حدود امکان پیشامد مجموعه اعمال جنایی از راه غیرممکن‌الوقوع ساختن و دشوار کردن احتمال وقوع آن‌هاست. یکی از این اقدامات، اقدام های روانشناختی - اجتماعی زودرساست که دارای ماهیت پیشگیری از خطرات بروز رفتارهای مجرمانه هستندکه شامل اطفال و حتی نوجوانان بسیار کم سن و سال و مکان‌های جامعه‌پذیری آنان مانند خانواده، مدرسه و اجتماع می‌شود. مداخله روان شناختی - اجتماعی زودرس نسبت به اطفال، مبتنی بر وجود عوامل خطر است که می‌توان آن‌ها را مجموعه‌ای از شرایط فردی و اجتماعی تعریف کردکه بروز و استمرار رفتارهای مجرمانه آینده را در کودکان و نوجوانان مساعد می‌کنند. عوامل خطرکه از کودکی فعالند و با تحقیقات علمی وجود آن‌ها اثبات شده است را می‌توان با اجرای برنامه‌های مناسب کاهش داد لذا با توجه به اهمیت پیشگیری می‌توان با تدوین برنامه‌های تعلیمی و سیاست‌های تربیتی در مکان‌های تأثیرگذار جامعه بخصوص مدرسه و محیط خانواده به پیشگیری از بزهکاری اطفال پرداخته‌شود.

واژه‌های کلیدی: پیشگیری، بزهکاری، اطفال، نوجوانان.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

مقدمه

مطالعات و یافته‌های تحقیقات در قلمرو تاریخ حقوق کیفری نشان می‌دهد که جوامع بشری برای مقابله با جرم عمدتاً از مجازات، آن هم از انواع شدید آن استفاده می‌کردند. (۳/ ۱۳۷۷: ۲۹) اما به حکایت همین یافته‌های حقوق کیفری، این شدت و حدت نظام کیفری نتوانسته آن طور که انتظار می‌رفته است منحنی جرائم را مهار کند یا آن‌ها را از میان ببرد لذا تولد رشته‌های انسان‌شناسی جنایی و سپس جرم‌شناسی در ربع آخر سده نوزدهم تا حد زیادی به‌دنبال شکست نظام کیفری در مهار موج بزهکاری بوده است. جرم شناسی برای مطالعات، تحقیقات و هدف‌هایی که دنبال می‌کند دست به طبقه‌بندی بزهکاری می‌زند که یکی از این اهداف پیشگیری از بزهکاری است (۱۲/بی‌تا: ۱۳۰) در همین رابطه آنتونی گیدنز بیان می‌کند: «وظیفه جرم شناسان این است که اجتماع را علیه بزهکاری مجهز نمایند و اقدامات لازم را برای درمان بزهکاری به عمل آورند یعنی هم علل جرم را مورد مطالعه قرار دهند و هم راه‌های پیشگیری و طرق جلوگیری و تکرار جرم را بررسی کنند تا بتوانند هم اجتماع و هم افراد را در مقابل جرائم حفظ نمایند». بنابراین بدیهی‌ترین و بنیادی‌ترین راه مهار، کنترل و کاهش بزهکاری، راهبرد پیشگیری است که علل و اهمیت این امر نیز به دلایل زیر می‌باشد:

الف: پیشگیری از بزهکاری و بزه‌دیدگی مؤثرتر و مطلوب‌تر از اقدامات و تدابیر عکس‌العملی و واکنشی، نظم و امنیت و آسایش را در ابعاد فردی و اجتماعی تأمین می‌نماید؛ زیرا اعمال تنبیه، مجازات و کیفر بیش از آن‌که پیامدها و اثرات جرم را از میان ببرد به صورگوناگون موجب بروز مشکلات متعدد از جمله ترس و نگرانی از جرم و بزهکاری و برچسب‌زنی در جامعه خواهد شد.

از طرفی بر اساس گزارشات و آمارهای موجود در بسیاری موارد بزهکاران و مجرمین دستگیر و کیفر نمی‌شوند و یا چنان چه دستگیر شوند به دلایل متعدد مجازات مورد انتظار در مورد آنان اعمال نمی‌شود به ویژه متجاوزین به حقوق اقتصادی و اجتماعی جامعه یعنی آنان که از پول و قدرت بیشتری برخوردارند عمدتاً سعی می‌نمایند از تیررس تعقیب و مجازات مصون بمانند.

جرم شناسان اعتقاد دارند تکرار جرم و تداوم به ظاهر دوری ناپذیر وقوع آن به ویژه اگر دارای روند روبه رشد باشد باعث ناامیدی و در نتیجه کاهش آستانه تحمل دستگاه‌های عمومی پاسخ دهند به پدیده مجرمانه از جمله پلیس و قوه قضائیه می‌باشد و از این رو افزایش میزان کیفرها، اتخاذ تدابیر سخت‌گیرانه و اعمال خشونت و فشار را در پی خواهد داشت. (۱۳۸۷/۱۳: ۱۸)

ب: لازم به ذکر است اصرار براهمیت و تقدم پیشگیری از بزهکاری و جرم و بزه‌دیدگی به مفهوم بی‌فایده بودن اقدامات و تدابیر عکس‌العملی و واکنشی وجود ندارد در واقع منظور جایگاه ویژه و اولویت پیشگیری نسبت به اقدامات واکنشی برای کاهش هزینه‌های مادی و معنوی می‌باشد.

ج: تدابیر پیشگیرانه عمدتاً با روش‌های نرم افزاری مانند اعمال سیاست‌های آموزشی، تبلیغی، فرهنگ‌سازی و امثال آن انجام می‌گیرد در حالی‌که اقدامات واکنشی عموماً با روش‌های سخت و بعضاً خشونت بار

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

اعمال می‌گردد لذا تدابیر پیشگیرانه بیشتر مورد توجه و پذیرش شهروندان قرار می‌گیرد و با آن همکاری می‌نمایند تا روش‌های واکنشی و کیفری، به همین دلیل امروزه در بسیاری از ممالک دنیا کوشش‌های بخش خصوصی با تلاش سازمان‌های دولتی در مورد پیشگیری از جرائم کودکان و نوجوانان و سروسامان دادن به وضع آن‌ها همگام شده و از این راه نتایج مفید و مثبتی بدست آمده است بنابراین ابتدا به علل آسیب‌پذیری اطفال، سپس به نقش خانواده و در نهایت به نقش مدرسه در پیشگیری از بزهکاری اطفال پرداخته می‌شود.

۱- آسیب‌پذیری نوجوانان

پاره‌ای از ویژگی‌های روان‌شناختی نوجوانان، آنان را در معرض آسیب‌پذیری اجتماعی قرار می‌دهد از جمله این ویژگی‌ها:

الف- خودمحوری

نوجوانان معتقدند که وقایع زندگی آن‌ها از دیگران مستثنی است شدت این تفکر به اندازه‌ای است که نوجوانان خود را از قوانین حاکم بر طبیعت و جهان جدا می‌بینند این ویژگی خودمحوری عامل اصلی خطرپذیری‌های متعدد و بی‌پروایانه است که نوجوانان به آن دست می‌زنند.

ب- بلا تصمیمی

از آنجا که نوجوانان از وجود احتمالات متعدد آگاه می‌شوند خود را در مقابل طیف گسترده‌ای از انتخاب‌های متنوع می‌بینند این امر باعث سرگردانی آن‌ها در تصمیم‌گیری می‌شود.

ج- دوگانگی در فکر و عمل

بسیاری از نوجوانان در تفکیک واقعیت از خیال دچار مشکل می‌شوند یعنی گاهی بر این باورند که افکار آنان عین واقعیت است تناقض‌های شدید در افکار و رفتارهای نوجوانان این مسئله را به خوبی تشریح و نمایان می‌سازد. آن دسته از نوجوانانی که در خصوص افکار و اندیشه‌های خود با اطرافیان فرصت بحث و تبادل نظر داشته باشند زودتر به افکار روشن‌تر و سالم‌تری می‌رسند. (۱۳۸۰/۱: ۵۵) بنابراین رابطه‌ای دوستانه و بدون توسل به خشونت با نوجوانان خواهد توانست اعتماد و همکاری بیشتر آنان را بدست آورد مانند: گوش دادن فعال جهت تعامل بهتر با نوجوانان؛ یعنی شنیدن، دقت کردن، فهمیدن و پاسخگویی می‌باشد که در یک ارتباط انتقال پیدا کرده است. (۱۳۸۶/۲: ۶۶)

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

د- مهارت همدلی

یعنی صحبت‌های نوجوانان را خوب شنیده و درک نموده و بازخورد مناسبی ارائه شود هنگامی که این احساس در نوجوان بوجود آید که سخنان آن‌ها مورد درک بسیار خوبی قرار گرفته است باعث می‌شود که نوجوان احساس نزدیکی روانی و اعتماد بیشتری پیدا کند یا رفتارهای غیرکلامی مثل حالات چهره، حرکات بدن، لبخند به جا و. . . اگر به‌درستی استفاده شود در جلب اعتماد نوجوانان تأثیرات چشمگیری دارد و در نهایت اینکه در برخورد با نوجوانان باید از تعصب‌های قومی - نژادی و خشونت جلوگیری کرد و تنبیه بدنی نباید صورت گیرد؛ زیرا که تحقیقات نشان داده است که تنبیه بدنی اثرات تربیتی بسیار موقتی برجای می‌گذارد و در عوض احساس خشم و نفرت نسبت به شخص تنبیه‌کننده را در پی دارد و افرادی که مورد تنبیه بدنی قرار می‌گیرند بیشتر از اینکه به فکر اصلاح رفتار خویش باشند در پی انتقام‌جویی برمی‌آیند.

۲- برنامه‌های پیشگیری

عوامل زیادی هستند که هریک به نوبه خود در پیشگیری از بزهکاری کودکان و نوجوانان نقش مؤثری بازی می‌کنند اعتقاد عمومی بر این است که گسترش برنامه‌های اجتماعی و بالا بردن سطح آموزش و پرورش و عوامل دیگر مناسب‌ترین راه برای پیشگیری از بزهکاری کودکان و نوجوانان است که با تلاش متخصصان، آموزگاران، مددکاران اجتماعی، روان‌شناسان و جامعه‌شناسان در پی یافتن راه حل‌هایی برای پیشگیری و کنترل رفتار خودسرانه کودکان و نوجوانان هستند که به تنهایی و بدون مشارکت آن‌ها نمی‌توان مشکل بزهکاری را حل کرد و یا تحت کنترل درآورد لذابا توجه به مراحل مختلف رشد کودک در مکان‌های مختلفی مانند خانواده، مدرسه، اجتماع، برنامه پیشگیری باید در مراحل مختلف رشد و در مکان‌های مختلف اجرا شود.

الف- برنامه‌های خانواده مدار

از دیدگاه کودک، والدین مهم‌ترین و ارزنده‌ترین الگوهای جهان هستند. کودک در محیطی که زاییده می‌شود و نشو و نما پیدا می‌کند به موازات فراگیری زبان و نمود ارتباط با محیط و اعضای خانواده و جامعه، آداب و رسوم و خلقیات خانواده خود را کسب کرده و آن‌ها را جزیی از شخصیت و منش خود می‌سازد. (۴/ ۱۳۶۹: ۳۷) لذا رفتار خشونت‌آمیز والدین در خانواده با کودک و با همدیگر، این عقیده نادرست را در ذهن کودک بارور می‌سازدکه در اجتماع نیز خشونت و جدال حلال مشکلات است. به نظر جرم‌شناسان، خانواده از جمله محیط‌های اجتناب‌ناپذیر یا حتمی و نخستین آن‌هاست. خانواده از آن رو محیط حتمی تلقی شده که کودک در انتخاب آن نقشی ندارد و رفتارهای آتی کودک تا حدود زیادی ناشی از برخوردهای ناسالم پدر و مادر نسبت به کودک در سال‌های اولیه زندگی است. (همان: ۳۹) لذا از

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

مهم‌ترین ارزش‌هایی که لازم است کودک در محیط خانواده فرا گیرد عشق و محبت است. والدین باید با رفتار عطوفت‌آمیز و انسانی خود کودک را از عشق و محبت و ایثار و گذشت سرشار نموده و آن‌ها را در گسترش و اشاعه این ارزش‌های والای انسانی در جامعه یاری دهند. (۷/ ۱۳۷۶: ۵۱) به همین دلیل آموزش پدر و مادر از طریق افراد آموزش دیده و متعهد نقش مهمی ایفا می‌کند به طوری‌که آموزش پدر و مادر می‌تواند به آن‌ها کمک کند تا به گونه‌ای سازنده واکنش نشان دهند و از شیوه‌های انضباطی ملایم‌تری استفاده کنند و از تضاد و کشمکش پرهیز نمایند. (۱۳۸۳/۱۰: ۴۶) زیرا که یکی از عوامل بسیار عمده در عدم تطابق فرد با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه، عدم آشنایی او با این ارزش‌ها و معیارها و به عبارت دیگر عدم جامعه‌پذیری صحیح یا نقض فرایند جامعه‌پذیری او می‌باشد که خانواده این ارزش‌ها و معیارها را به فرزندان آموزش می‌دهد و منتقل می‌کند.

بنابراین رابطه والدین – فرزند، چه مثبت و چه منفی، عامل مهمی در رشد کودکان و نوجوانان است. یک نوجوان از این رابطه اولیه به سمت استقلال حرکت می‌کند و در طول دوران بزرگسالی به شیوه‌های مختلفی به آن باز می‌گردد. لذا مشارکت والدین به عنوان یک ملاحظه مهم و ضروری برای ارتقاء نتایج مثبت کودکان در آموزش، بهداشت روانی، رفاه کودکان در سطح گسترده‌ای به رسمیت شناخته می‌شود. که براین اساس به مشارکت والدین در خدمات کودکان به عنوان یک عنصر ضروری برای تسهیل نتایج مثبت اقدام در بخش‌های بهداشت روانی، آموزش و رفاه کودکان اشاره شده است. (۱۴/ ۱۹۹۶: ۱۹۰-۱۸۵)

ب- برنامه‌های مدرسه‌مدار

بعد از خانواده، مدرسه نقش مؤثری در جامعه‌پذیری شایسته فرد دارد لذا برنامه‌های مدرسه‌مدار، متمرکز برحمایت از رشد شناختی کودکان و مهارت‌های اجتماعی و مهارت‌هایی در خصوص حل مشکلاتشان و کنترل خود و اداره فشارهای وارد برآن‌ها و ایجاد کلاس‌هایی برای والدین به منظور آموزش آن‌ها در زمینه پاداش دادن و تشویق رفتارهای مطلوب کودکان می‌باشد و به منظور بهبود محیط مدرسه، افزایش تجربیات مثبت کودکان در مدرسه، افزایش اعتماد به نفس و افزایش شرکت در فعالیت‌های مدرسه صورت می‌گیرد که می‌تواند نتایج مفیدی از جمله تعهد کودکان به مدرسه و پیشرفت تحصیلی را که در آینده کودکان مؤثر است به دنبال داشته باشد. از طرف دیگر برنامه‌های آموزشی و تفریحی خارج از مدرسه هم از این جهت که بیشتر جرائم خشونت‌بار نوجوانان در ساعات خارج از مدرسه اتفاق می‌افتد دارای اهمیت خاصی هستند. در کانادا برنامه‌ای به منظور شرکت نوجوانان متعلق به خانواده‌هایی با سطح درآمد پایین در فعالیت‌های ورزشی، موسیقی و دیگر فعالیت‌های اجتماعی به صورت سه سال اجرا گردید که بهبود مهارت‌های نوجوانان شرکت‌کننده در این برنامه در زندگی اجتماعی، میزان دستگیری کمتر و ارتکاب رفتارهای مجرمانه کمتری را همراه داشت. (۱۹/ ۲۰۰۸: ۲۵۲-۲۴۱)

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

در استرالیا نیز برنامه‌ای با همکاری اداره آموزش و پرورش و ارائه خدمات به کودکان و پلیس در مدارس به منظور آموزش‌های پیشگیرانه به دانش آموزان اجرا گردید که مهم‌ترین اهداف آن را آگاهی کودکان از نتایج رفتارهای ضد اجتماعی و داشتن ارتباط سازنده با پلیس و اجتناب از درگیر شدن در فعالیت‌های مجرمانه تشکیل می‌داد و طبق ارزیابی اداره آمار جنایی و تحقیق که به درخواست واحد پیشگیری از جرم صورت گرفت این برنامه نتایج مثبتی در زمینه پیشگیری در برداشت.

ج- برنامه های اجتماع مدار

این برنامه که در ایالات متحده آمریکا به طرح مکتب شیکاگو متعلق به شاوو مک‌کی در دهه ۱۹۳۰ برمی‌گردد با هدف تغییرات اجتماعی و ایجاد فرصت برابر برای همه افراد و در جهت رسیدن به ایدهآل‌های موجود در جامعه مطرح گردید این برنامه‌ها نیز به منظور کاهش عوامل خطر و گسترش عوامل حمایتی، همکاری گروه‌های اجتماعی و نهادهای دولتی را می‌طلبد ایجاد فرصت‌های برابر شغلی در اجتماع و همکاری نهادهای مختلف در این مورد، مراقبت‌های روزانه مبتنی بر اجتماع و تاسیس نهادهای مراقبتی و ایجاد خدمات حمایتی از جمله این برنامه ها می‌باشد. (همان: ۳۵۲)

بنابراین اقدامات پیشگیرانه ممکن است در مکان‌های مختلفی از قبیل خانه، مدرسه، مؤسسات فرهنگی و با مشارکت جامعه مدنی اجرا شود زیرا که مبحث پیشگیری برخلاف مبحث سرکوبی تنها در حیطه صلاحیت حاکمیت باقی نمی‌ماند و قابل تفویض به بخش خصوصی نیز می‌باشد. (۱۱/ ۱۳۸۱: ۱۷) البته تفویض این بخش از سیاست جنایی به نهادهای جامعه مستلزم درک صحیح تعامل بین نهاد اصلی متولی پیشگیری از جرم مانند پلیس و سایر نهادهای اجتماعی است و تعامل و مشارکت و همیاری نهادهایی مثل آموزش و پرورش می‌تواند به پیشبرد سیاست پیشگیری و کنترل جرم در جامعه کمک شایانی کند.

۳- نقش مدرسه در پیشگیری از بزهکاری

روآوردن دانش‌آموزان به بزهکاری یا اجتناب از آن، ارتباط مستقیمی با موفقیت یا شکست مدارس و اولیای آن‌ها در اجرای طرح پیشگیری از بزهکاری و خشونت در مدرسه دارد به‌طوری که اگر اولیای مدرسه متوجه امر خطیری که برعهده آن‌هاست باشند می‌توانند در این خصوص از طریق ارائه راه کارهایی به مبارزه با بزهکاری دانش‌آموزان همت گمارند و به آن‌ها بیاموزند که چگونه در مقابل امیال و وسوسه‌های خود مقاومت کنند. (۸/ ۱۳۹۳: ۲۲) در مدارس مسأله زمانی نگران‌کننده است که شاهد باج‌گیری، سرقت، اخاذی همراه با تهدید و استفاده از زور باشیم وجرم‌شناسان ثابت کرده‌اند که باج‌گیری و انواع دیگر رفتارهای خشونت‌آمیز ارتباط تنگاتنگی با سرقت، تخریب، غیبت از مدرسه، افت تحصیلی و رفتارهای متضاد دانش‌آموزان دارد معمولاً مدارس پرخطر تمایل به توسعه، چه از نظر ابعاد و چه از نظر جمعیت دارند و تعداد دانش‌آموزان آن‌ها بیش از سایر نقاط است، کادر آموزشی آن‌ها نیز اغلب

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

ناهماهنگ بوده و تمایلی به همکاری با مدیریت ندارند، معلمان بیشتر به‌دنبال توزیع اطلاعات خود میان دانش‌آموزان هستند و قوانین و مقررات داخلی به‌صورت تمسخرآمیزی فاقد ضمانت اجرا هستند به همین دلیل اولیاء و مربیان چنین مدارسی را ناکارآمد می‌نامند و این چنین است که زمینه و بستر برای ضداجتماعی شدن دانش‌آموزان این مدارس فراهم می‌شود برعکس هرچه مدرسه‌ای بیشتر شرایط تعلیم و تربیت مناسب را فراهم آورد به همان نسبت بیشتر از خشونت فاصله می‌گیرد.

بنابراین مدرسه به علت دارا بودن قابلیت تنظیم واکنش‌های متقابل اعضای خود، بهترین بستر را برای پیشگیری از بزهکاری فراهم می‌آورد پس مشخصاً دخالت کردن در تربیت دانش‌آموزان از طرق مختلف در مدرسه به مراتب آسان‌تر از جاهای دیگر است پس چه بهتر که پیشگیری از خشونت در میان دانش‌آموزان از همان مدرسه آغاز شود.

الف – قانون در مدرسه

ارتکاب جرم در مدارس یکی از معضلات عمده نظام‌های حقوقی است بسیاری از مدارس مجبور می‌شوند نسبت به رویدادهایی که در مدرسه واقع می‌شود مانند تیراندازی، آدم‌ربایی، تعرض جنسی، مواد مخدر و قلدری واکنش نشان دهند چگونگی واکنش‌های مدرسه به یک بحران می‌تواند بر التیام بخشیدن به جمعیت مدرسه، حال و هوای مدرسه و آموزش دانش‌آموزان تأثیر بگذارد لذا قانون در مدارس این توانایی بالقوه را دارد که به افراد جوان کمک کند یاد بگیرند زمان درس و کنترل کلاس، مسئولیت رفتار خود را به عهده بگیرند و در حقیقت قانون مدرسه، مسئولیت‌پذیری و مسئولیت از طریق تفکر شخصی را ترغیب می‌کند و مدرسه به‌عنوان یک محیط حمایتی می‌تواند یادگیری و با پیشگیری از صدمات آینده ایمنی را بهبود بخشد لذا قانون در مدرسه نقش مهمی دارد با وجود اهمیت و نقش مدارس در پیشگیری از بزهکاری در ابتدا بسیاری از مدارس مجازات‌های قانونی تنبیهی را وارد کرده‌اند که به دانش‌آموزان آموزش نمی‌دهد یا درگیری را حل نمی‌کند و حتی مدارس را کم امنیت‌تر می‌سازد و صدمات بیشتری به دانش‌آموزان می‌زند. یکی از این برنامه‌های تنبیهی مدارس، روش تسامح صفر بود که در اواخر دهه ۱۹۸۰ شروع شد. این سیاست اخراج را برای دانش‌آموزانی که کوچک‌ترین تخطی از قوانین مدرسه داشتند یا برای بدرفتاری دانش‌آموز غیرخشن اعمال می‌کردند به‌طوری که در تحقیقی که انجام شد در ایالت ایلینویز، بین سال‌های ۱۹۹۱ و ۲۰۰۷، نرخ تعلیق مدارس عمومی ایلینویز ۵۶ درصد افزایش یافت و میزان اخراج بیش از دو برابر شد تا سال تحصیلی ۲۰۰۷ میزان اخراج و تعلیق ایالت به یک رشد ۱۶ ساله رسید. این در حالی بود که هیچ مدرکی وجود نداشته که سیاست‌های تحمل صفر رفتار دانش‌آموزان، جو مدرسه یا ایمنی کلی مدرسه را بهبود بخشیده باشد. در حقیقت تحقیق دریافت که چنین سیاستی منجر به تعلیق‌های بیش‌تر، ترک تحصیل و رفتار شیطانی‌تر شد. علاوه بر آن در اجرای سیاست تحمل صفر یک تأثیر منفی نیز بر دانش‌آموزان زرنگ داشت که خارج از حد محروم یا اخراج شدن بود. (۸/ همان: ۳۲) براین اساس استفاده

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

بیش از حد از تعلیق و اخراج در مدارس به عنوان شیوه‌های انضباطی به یک نگرانی ملی برای سیستم‌های آموزشی تبدیل شده بود(۱۴/ ۲۰۰۸: ۸۶۲-۸۵۲) زیرا که نتیجه‌ی اجرای این سیاست محرومیت‌ها، اخراج‌ها، دستگیری‌ها و فرارهای مکرر بود؛ و به علت کمبود منابع، معلمان و مدیران مدرسه اغلب به اقدامات کم‌هزینه، ثابت و سریع متوسل می شدند و دانش‌آموزان را از کلاس بیرون می‌کردند و هیچ‌کاری برای بهتر شدن رفتار یا ایجاد یک محیط هدایت‌کننده آموزشی نمی‌کردند. در حالی که این تنبیهات، دانش‌آموزان را از مدرسه دور می‌کند، یادگیری را مختل می‌کند و فرصت‌های بیشتری برای دانش‌آموزانی که دور از مدرسه هستند فراهم می‌کند تا به‌دور از نظارت والدین با همتایان خلافکار آشنا شوند.

یا یکی دیگر از روش‌های تنبیهی که مدارس اعمال نمودند جنایی کردن انواع خاصی از بدرفتاری در مدرسه‌ها آنچه که آن را «مسیر اتصال مدرسه به زندان» نامیدند بود در این روش بدرفتاری معمول جوانان به جای مدرسه اغلب توسط پلیس و از طریق فرایندهای سنتی قانونی به صورت رفتار جنایتکارانه تلقی می‌شد و مورد بررسی قرار می‌گرفت. این در حالی بود که دانش‌آموزان اغلب از تأثیر مضر رفتارشان بر خودشان و دیگران ناآگاه بودند.

بنابراین گسترش سیاست‌های تسامح صفر در بسیاری از نواحی آموزش و پرورش به عنوان یک عامل اصلی، در محدود کردن انتخاب‌های کارکنان آموزشی و اداره‌ها ذکر می‌شود. (۱۵/ ۲۰۱۰) وقطع نظر از اثر زیان‌آور این سیاست‌های انحصاری، بر محیط مدرسه و پیشرفت دانش‌آموزان؛ چنین سیاست‌هایی همچنین تأثیرات شدیدی در برچسب‌گذاری بر روی دانش‌آموزان به عنوان یک مجرم و پس از آن ورود آن‌ها به سیستم دادرسی نوجوانان را در برداشت. در واقع بسیاری از نوجوانان تعلیق شده، مستقیماً از مدرسه به آژانس‌های دادرسی جوانان ارجاع داده می‌شدند. (۱۷/ ۲۰۰۸) و این به‌طور غم‌انگیز به‌عنوان یک مسیر اتصال مدرسه به زندان شناخته شده است و بیشترین نتایج فاجعه‌بار آن ابتدا در بین دانش‌آموزان کم سن و سال و در ضعیف‌ترین جوامع مشخص می‌شود. به طوری که می‌توان با پیشگیری، به نگهداری دانش‌آموزان در مدرسه و خارج از خط اتصال مدرسه به زندان، اقدام نمود. در حالی که تنبیه مرتبط با تسامح صفر، معمولاً دانش‌آموزان را در معرض خطر بیشتر کاهش ارتباط با مدرسه و افزایش درگیری در رفتارهای پرخطر و یا غیرقانونی قرار می‌دهد و نیز پیشرفت تحصیلی ضعیف آن‌ها را باعث می‌شود، که در نهایت موجب ترک تحصیل آن‌ها شده و متعاقباً آن‌ها وارد خط اتصال مدرسه به زندان می‌شوند. (۱۶/ ۲۰۱۱) در حقیقت شواهدی نیز وجود دارد که وقتی اقدامات انحصاری و خودسرانه اعمال می‌شود، زمان آموزش از بین می‌برد و تعامل بین خانواده و مدرسه را محدود می‌کند و نیز موجب دسترسی به پیشرفت علمی پایین می‌شود براین اساس با شکست این رفتارهای تنبیهی، مسئولین به‌دنبال روش‌های دیگری برای پیشگیری از بزهکاری پرداختند؛ زیرا که مدرسه بهترین مکانی است برای شناسایی دانش‌آموزانی که زمینه انحراف به سمت بزهکاری در آن‌ها وجود دارد. لذا برای تحقق این هدف می‌توان از روش‌های مختلفی

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

استفاده کرد. از جمله برنامه‌هایی که می‌توان در زمینه پیشگیری از بزهکاری کودکان و نوجوانان به آن اشاره نمود:

اول: برنامه غنی‌سازی اوقات فراغت کودکان و نوجوانان در جامعه

بسیاری از آسیب‌های اجتماعی از عدم آگاهی افراد ناشی می‌شود و با آموزش‌های درست و مناسب می‌توان از بروز بسیاری از این معضلات جلوگیری نمود. آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان، تفریح و سرگرمی آنان و برنامه‌های تلویزیونی مخصوص آن‌ها در همه جوامع جایگاه خاصی را به خود اختصاص داده است. برای مثال در کشور کلمبیا جوانان بیش از اندازه مستعد جذب در گروه‌های مسلحانه می‌باشند بدین خاطر برنامه‌ای با محوریت فوتبال جهت اشاعه اصول فوتبال به عنوان روحیه گروهی، مدارا، احترام و ارزش‌های اجتماعی نزد جوانان ساکن در محله‌های نامناسب تدوین شد هدف این برنامه‌ها پرکردن اوقات فراغت کودکان به شکل سازنده و مولد می‌باشد.

دوم: برنامه‌های جامع مدرسه محور کمک به دانش‌آموزان

این برنامه‌ها می‌تواند برای آموزگاران، مدیران و دیگر افرادی که در محیط مدرسه بزهکار و بزه‌دیده شده‌اند مؤثر باشد برنامه‌های مدرسه محور کمک به دانش‌آموزان در مواقع بزه‌دیدگی و بزهکاری باید همه سطوح آموزشی را در نظر گرفته و برای پاسخگویی مؤثر به آسیب روانی حاد و نیز رویدادهای خشونت باری که ممکن است در مدرسه روی دهند طرح‌ریزی شوند این برنامه‌ها علاوه بر کمک به دانش‌آموزان در مدرسه باید در برگیرنده مشاوره در زمینه مداخله در بحران و نیز برنامه‌های آموزشی باشند که دوره‌هایی را در زمینه کمک به آنان در امر پیشگیری از خشونت و حل و فصل غیرخشونت‌آمیز درگیری و کشمکش شامل شود این برنامه‌ها به دانش‌آموزان و آموزگاران کمک می‌کند تا نسبت به فشارهای روانی خود و نیز نسبت به فشار روانی افراد پیرامون خود هم در محیط مدرسه و هم بیرون از آن واکنش بهتری داشته باشند. لذا باید شیوه خدمات‌رسانی به بزهکاران و بزه‌دیدگان و راه‌های پیشگیری را در شیوه‌های مدیریتی مدرسه گنجاند و مقام‌های مدرسه (مدیر، معلم، مشاور) نیز مسئولیت پیشگیری از جرم و تضمین امنیت دانش‌آموزان و کارکنان مدرسه را برعهده گیرند. (۶/ ۱۳۸۴: ۱۵۴)

سوم: تدارک برنامه‌ریزی درسی برای مدارس در خصوص پیشگیری از بزهکاری و بزه-دیدگی

برنامه‌های درسی در مدارس باید به پیشگیری و کمک به دانش‌آموزان در مواقع بحران توجه داشته باشد به طوری که برنامه باید در برگیرنده آموزش درباره انواع معینی از بزهکاری، بزه‌دیدگی مثل خشونت‌های خانگی، تعرض جنسی، سوء مصرف مواد مخدر و قلدری باشد از کلاس‌های مربوط به تأثیر جرم بر

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

بزهکاران یا بزه‌دیدگان باید به منزله یک شیوه آموزشی مهم برای آموزش به کودکان در سن مدرسه استفاده کرد. (۹/ ۱۳۹۱: ۴۳) مدارس باید در همه مقاطع از ابتدایی گرفته تا دانشگاه باید دوره‌هایی را درباره راهبردهای پیشگیری از جرم تدریس کنند در برخی از کشورها برای نمونه نروژ و دیگر کشورهای اسکاندیناوی برای تضعیف تکیه برخشونت، نشست‌های حل و فصل کشمکش در مدارس برگزار می‌شود. (همان: ۱۵۵)

چهارم: معماری، نوسازی مدارس و سامان‌دهی مراقبت‌ها

معماری، نوسازی مدارس و سامان‌دهی مراقبت‌ها با سطح خشونت و بزهکاری در مدرسه بی‌ارتباط نیست بدین معنی که شرایط مکانی از قبیل درها، پنجره‌ها، ساعت‌ها و دستگاه‌های مراقبتی می‌توانند مانع پیشگیری شوند ساز وکار پیشگیری وضعی در یک مدرسه بر پیش‌بینی موقعیت‌های عالی برای سرقت و تعرض تأکید می‌کند که در غیر این صورت بسیاری از دانش‌آموزان در کنترل گرایش فرد برای ارتکاب اعمال بزهکاری فوق ناتوان می‌شوند همواره باید این امکان وجود داشته باشد که مدرسه را طوری بسازند که درهای ورودی، حیاط تفریح و فضاهای داخلی آن به راحتی قابل مراقبت باشد در مدارس کوچک معمولاً مراقبت با کارایی بالاتری انجام می شود زیرا اغلب اولیای مدرسه اکثر دانش‌آموزان را می‌شناسند و ابعاد کوچک مدرسه این امر را تسهیل می‌کند کنترل‌های از راه نزدیک با محدود بودن در مدارس کوچک خود به خود انجام می‌شود حال می‌توان پی برد که چرا تحقیقات ثابت کرده‌اند که ابعاد مدرسه نسبت مستقیم با بزهکاری و بزه‌دیدگی و خشونت در مدارس دارد، یعنی هرچه ابعاد مدرسه کوچک‌تر باشد میزان بزهکاری و بزه‌دیدگی کم‌تر است. (۹/ همان: ۱۱)

پنجم: استفاده از معلمین در مورد شناسایی شخصیت دانش‌آموزان

باید از معلمین خواسته شود تا پرسشنامه‌ای درباره نحوه رفتار دانش‌آموزان پرکنند و همچنین باید تلاش دانش‌آموزان هرج و مرج طلب و علاقمند به برهم زدن نظم را شناسایی نمایند که سبب طرد از طرف گروه همسالان گردیده و به سمت بزهکاری سوق خواهند یافت برای پیشگیری از این امر باید به این قبیل دانش‌آموزان مسئولیت فردی داد یا این‌که آن‌ها را در گروه‌های کوچک به ریاست دانش‌آموزان سربه راه و مفید قرار داد تا اجازه ندهند که عناصر ضداجتماعی در آن‌ها پررنگ شده و رواج پیدا کند مانند نمونه‌ای که از هیأت منصفه همکار مدرسه در عمل که توسط «**ART LOBI**» معلم و هیأت منصفه همکار مدرسه و هماهنگ‌کننده در دبیرستان «**KELVYN PARK**» در شیکاگو ارائه شده است. یک مرد جوان به نام «خوزه» کفش خود را در سالن کنفرانس در مقابل معلم موسیقی و مدیر مدرسه پرتاب کرد معلم برافروخته و خشمگین خوزه را به دفتر مدرسه فرستاد سپس مدرسه خوزه را به برنامه‌های هیأت منصفه همکار ارجاع داد. در این برنامه اعضای هیأت منصفه با خوزه صحبت کردند و آن‌ها متوجه شدند

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

که او می‌خواست بعد از فارغ‌التحصیلی به مدرسه هنر برود اما با معلم موسیقی خود مشکل داشت. اعضای هیأت منصفه با خوزه تصمیم گرفتند که با همکاری معلمش کنسرتی را راه‌اندازی کند تا او و معلمش بتوانند خارج از کلاس درس بیشتر با هم ملاقات کنند و همدیگر را بهتر بشناسند علاوه براین خوزه موافقت کرد که استعدادهای هنری‌اش را با ایجاد یک پوستر به اطلاع عموم برساند و از دانش‌آموزان برای شرکت در کلاس موسیقی مدرسه ثبت نام به‌عمل آورد. در نهایت دانش‌آموز و معلم به صلح و آشتی رسیدند و خوزه متوجه خطای خود شد و از استعدادهای خود در جهت تعمیر آسیب انجام شده به مدرسه و برنامه‌های موسیقی استفاده کرد.

بنابراین مدارس عاری از بزهکاری و خشونت، به مجموعه‌ای از قوانین ارزشمندی مجهزند که همواره از ضمانت اجرای معتبر برخوردارند، تفکر جمعی درباره مقررات داخلی مدرسه کمک شایانی به همگانی نمودن این قوانین برای دانش‌آموزان و بزرگسالان می‌کند مخصوصاً در مدارسی که قوانین و مقررات توسط گروهایی متشکل از خود دانش‌آموزان، معلمان، والدین و نمایندگان آن‌ها تدوین و وضع می‌شوند. و مهم‌تر این که زمانی قانونی تدوین می‌شود جرائم موجود در آن نباید بدون واکنش باقی بماند قوانین و مقررات باید دارای ضمانت اجرا باشند و به هر حال به طور عادلانه و منصفانه و مبتنی بر میانجیگری باشند. براین اساس الگوی یک مدرسه موفق را به شرح زیر می‌توان تشریح کرد:

- در یک مدرسه موفق با کارایی بالا، مدیر مدرسه باید کادر آموزشی را مورد حمایت و ترغیب قرار دهد.
- معلمان باید از دانش‌آموزان انتظار زیادی داشته باشند.
- آن‌ها باید مراقب دانش‌آموزان خود بوده و از نزدیک پیشرفت آن‌ها را دنبال نمایند.
- آن‌ها باید برای موفقیت دانش‌آموزان ارزش قائل شوند و از پاداش و تشویق برای ایجاد حس رقابت، استفاده عاقلانه و منطقی کنند.
- در کلاس بدون استفاده از روش‌های تنبیهی نظم و انضباط را در اولویت قرار دهند.
- در مدرسه دانش‌آموزان باید امکان به عهده گرفتن مسئولیت در کلاس را داشته باشند.

نتیجه‌گیری

اقدام‌های روان‌شناختی- اجتماعی زودرس که دارای ماهیت پیشگیری از خطرات بروز رفتارهای مجرمانه هستند، شامل اطفال و حتی نوجوانان بسیار کم سن و سال و مکان‌های جامعه‌پذیری آنان می‌شود موضوع مداخله و اقدام روان‌شناختی–اجتماعی زودرس بسیار اساسی است زیرا هر اندازه که در معرض خطر قرارگرفتن فرد زودتر اتفاق افتد و اشکال آن متعددتر ومدت آن طولانی‌تر باشد، به همان اندازه احتمال وارد و درگیر شدن و استمرار فرد در رفتارهای مجرمانه شدید بیشتر خواهد شد. علاوه بر این فایده دیگر اقدام روان شناختی–اجتماعی زودرس ملاحظه‌کارایی بسیار نسبی و حتی ناکافی اقدام‌های عملیات پیشگیری به ویژه پیشگیری کیفری است.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

لذا با پیشگیری آن هم در مکان‌های مختلف می‌توان از بزهکاری اطفال و نوجوانان جلوگیری کرد که در این راستا خانواده و مدرسه نقش مهمی ایفا می‌کنند به‌طوری که ارتباط قوی بین خانواده و کودکان به عنوان یک عنصر ضروری برای پیشگیری از بزهکاری اطفال تلقی می‌شود؛ زیرا که والدین بهتر می‌دانند چه چیزی برای اعضاء خانواده و فرزندان آن‌ها مناسب است مخصوصاً این امر می‌تواند زمانی بسیار ضروری باشد که پای یافتن مکانی خارج از خانه برای فرزندان در میان است، علاوه براین، والدین می‌توانند موانع موجود بر سر راه مشارکت در آموزش فرزندان خود را از جمله حداقل فرصت‌ها برای مشارکت، عدم احترام، و ارتباطات ضعیف از سوی مدارس را شناسایی کنند. و مدارس نیز با مشارکت والدین به نحو مؤثرتری می‌توانند فعالیت‌های آموزشی و تربیتی خود را به انجام برسانند.

همچنین در مدرسه تعلیق یا اخراج در نتیجه‌ی استفاده از سیاست انظباطی تسامح صفر زمانی که به‌طور نامتناسب و به شکلی وارونه بر روی دانش‌آموزان خردسال اثر می‌گذارد، به‌طور مستقیم راه مدرسه به زندان را باز می‌کند و به‌طور قابل توجهی باعث افزایش احتمال تعلیق بعدی و اخراج، ترک تحصیل و فارغ‌التحصیل نشدن و درگیر شدن در سیستم دادرسی می‌شود در حقیقت این گونه بیان می‌شود که سعی می‌کنند مشکلات خشونت مدارس را با ارائه سیاست‌های خشن و دولتی حذف کنند. این انتخاب به نظر با اضطراب اجتماعی برای امنیت ارتباط دارد زیرا گرچه کاربرد اقدامات قضایی به تمایل جمعی برای ارزیابی قوی برای تضمین امنیت عمومی پاسخ می‌دهد، اما ارائه موارد قضایی در مدارس باعث ایجاد ترس در خود مدرسه می‌شود. به‌طوری که با نتایج معکوسی که این روش خشک و خشن ایجاد کرد سیستم آموزشی به‌دنبال روشی جایگزین آن اقدام نمود.

پیشنهادات

۱- اجرای برنامه‌های تحمیلی را نسبت به جوانان متوقف کنیم و به جای آن برای ساختن زندگی آن‌ها، امکانات لازم را در اختیار آنان قرار دهیم.

۲- کادر آموزشی مدرسه باید با اولیاء و مربیان در ارتباط دائم باشند و آن‌ها را در طرح تعلیم و تربیت شرکت دهند.

۳- هماهنگی گروه‌های مختلف آموزشی، توانایی مدیر مدرسه در بسیج کردن همکاران و گروه‌های مختلف و این که هریک از پرسنل باید تک تک دانش‌آموزان را شخصاً بشناسند.

۴- قوانین و مقررات توسط گروه‌هایی متشکل از خود دانش‌آموزان، معلمان، والدین و نمایندگان آن‌ها تدوین و وضع شوند و زمانی که قانونی تدوین می‌شود جرائم موجود در آن نباید بدون واکنش بماند و قوانین و مقررات باید دارای ضمانت اجرا باشند.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

فهرست منابع و مآخذ

۱- احدی، حسن؛ جمهوری، فرهاد، (۱۳۸۰)، روان شناسی رشد، تهران، انتشارات بنیاد.

۲- بولتون، رابرت، (۱۳۸۶)، ترجمه: حمیدرضا سهرابی، روان‌شناسی روابط انسانی، تهران، انتشارات رشد.

۳- بولک، برنار، (۱۳۷۷)، ترجمه: علی‌حسین نجفی ابرند آبادی، کیفرشناسی، تهران، انتشارات مجد، چاپ دوم.

۴- توسلی، غلامعباس، (۱۳۶۹)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران، انتشارات سمت.

۵- کاریبو، روبر، (بی‌تا)، مداخله روان‌شناختی، اجتماعی زودرس در پیشگیری از رفتارهای مجرمانه، ترجمه: علی حسین نجفی ابرندآبادی.

۶- شایان، علی، (۱۳۸۴)، عدالت برای بزه دیدگان، تهران، انتشارات سلسبیل معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه.

۷- صلاحی، جاوید، (۱۳۷۶)، بزهکاری اطفال، تهران، انتشارات سمت.

۸- طالع زاری، علی، (سال تحصیلی ۹۴-۹۳)، تقریرات درس جرم شناسی نظری، دوره دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان.

۹- طالع زاری، علی، (سال تحصیلی ۹۲-۹۱)، تقریرات درس جامعه‌شناسی جنایی، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد دامغان.

۱۰-گراهام، جان، (۱۳۸۳)، (تأثیر مداخله‌های زود هنگام روان‌شناختی اجتماعی در پیشگیری از بزهکاری)، ترجمه: یاسمن خواجه نوری، مجله حقوقی دادگستر، شماره‌های ۴۹-۴۸.

۱۱- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین، (۱۳۸۱)، تقریرات جرم‌شناسی دوره کارشناسی ارشد، مجتمع آموزش عالی قم.

۱۲- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین، (بی‌تا)، (پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی)، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۶-۲۵.

۱۳- نیازپور، امیرحسین، (۱۳۸۷)، بزهکاری به عادت از علت‌شناسی تا پیشگیری، تهران، انتشارات فکرسازان.

14- American Psychological Association Zero Tolerance Task Force. (2008). Are zero tolerance policies effective in the schools? An evidentiary review and recommendations. American Psychologist, 63, 852-862

[15]- Bazemore, G. and M. Schiff. (2010). "'No Time to Talk': A Cautiously Optimistic Tale of Restorative Justice and Related Approaches to School Discipline. " Contemporary Issues in Criminological Theory and Research: The Role of Social Institutions (eds. Richard Rosenfeld, KennaQuinet and Crystal Garcia) United States: Cengage. November 2010.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

16- Boccanfuso, C. , and Kuhfeld, M. (2011). Multiple Responses, Promising Results: Evidence-Based, Nonpunitive Alternatives to Zero Tolerance. Child Trends. Office of Juvenile Justice and Delinquency Prevention: Washignton, D. C. Publication #2011-09.

[17]- Florida Blueprint Commission for Juvenile Justice Reform. (2008). Getting smart about juvenile justice in Florida. Tallahassee, FL: Florida Department of Juvenile Justice.

18- Jessica Ashley, Kimberly Burke, implementing restorative justice. victim. offender. community /Illinois criminal justice information Authority jack cutrone Acting Executive Director State of Illinois Pat Quinn Govemor.

19- Richards, M. M. , Bowers, M. J. , Lazicki, T. , Krall, D. , & Jacobs, A. K. (2008). Caregiver involvement in the intensive mental health program: Influence on changes in child functioning. Journal of Child and Family Studies, 17, 241–252.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]